

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

عدرا اشراق جهرمی^۱، علیرضا مختاری^۲، صفدر شاکر^۳

چکیده

امروزه ادب، بیشتر در بکار بردن الفاظ ظاهری آن، خلاصه گردیده و کمتر می‌توان آثاری از آدابی عمیق که نشانگر تربیت حقیقی و خو گرفته به آداب باطنی باشد پیدا کرد. قرآن کریم علاوه بر ذکر آداب ظاهری، آداب باطنی و عمیقی را متذکر ساخته که می‌تواند طرحی جامع برای ساختن انسان‌هایی خو گرفته به ادب و جامعه انسانی ملتزم به آداب باشد. ناگفته پیداست که یک جامعه سالم در کنار سلامت جسم آحاد آن، به سلامت روان آن‌ها که به ادب و آداب افراد در تعامل با یکدیگر نیز بستگی دارد نیازمند است. از آنجاکه ضوابط و آداب مطرح در قرآن کریم از جانب خالق آدمی مقرر گردیده، جامع‌ترین و ضروری‌ترین نکات لازم در رابطه با ادب ذکر گردیده است. این نکات در نهاد خود تکلیف و حقوق افراد انسانی را در تعامل با یکدیگر مشخص نموده و می‌توان ادعا کرد اگر رعایت شوند روابط آدمی با خداوند و آحاد انسان‌هایی که در ارتباط با آن‌هاست بهبود یافته و بسیاری از اختلافات و گسستگی‌های خانوادگی و خویشاوندی و اجتماعی برطرف خواهد گردید.

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی است و برای جمع‌آوری اطلاعات آن، از روش اسنادی استفاده شده است. اسناد به‌کاررفته، آیات قرآن کریم هستند. در این مقاله با طرح آیات قرآنی پیرامون آداب فردی، خانوادگی و اجتماعی و با استفاده از عامل تفصیل، تأکید قرآن کریم بر ادب، نمودار گردیده است. عامل تفصیل، مجموعه‌آیاتی که پیرامون موضوعی مشخص، مطرح گردیده را باهدف سنجش میزان تأکید قرآن کریم بر آن موضوع، موردتحقیق و پژوهش قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، تأکید، تفصیل، ادب

۱.. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. ozechj@gmail.com

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. ar.mokhtari@iau.ac.ir

۳. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. shakersafdar@gmail.com

ادب در آموزه‌های دینی و اخلاقی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در آیات متعددی به رعایت آداب فردی و اجتماعی پرداخته است در احادیث پیامبر اعظم اسلام و امامان علیهما السلام فراوان به رعایت آداب، توصیه شده آن‌گونه که آدمی احساس می‌کند تمامی احکام دین، در صیانت از جایگاه ادب، مقرر گردیده است. امام علی علیه السلام در تأثیر ادب بر عملکرد دنیوی و اخروی انسان می‌فرماید: آن‌کس که به رعایت ادب، ملتزم باشد گناهانش کم خواهد بود. (آمدی، ۱۳۷۵، ص ۶۴۵) در متون ادبی ما نیز ادب جایگاه ویژه‌ای دارد آن‌چنان‌که شرط دریافت الطاف الهی شمرده شده است در این بیان مولانا که می‌سراید:

از خداجوییم توفیق ادب بی ادب محروم گشت از لطف حق
بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش بر همه آفاق زد
(کریمی، ۱۴۰۲، ص ۱۰)

ادب، در عرف اجتماع ما از فضایل اولیه آدمی بشمار می‌آید و به عنوان معیاری اساسی برای سنجش شخصیت افراد محسوب می‌گردد. از آنجاکه دریافت افکار عمومی و حتی اندیشه بعضی خواص از ادب، خو گرفته به آداب ظاهری فردی و اجتماعی است ضروری دانستیم تا با مراجعه به جامع‌ترین کتاب الهی یعنی قرآن کریم، ادب و ملزومات آن را متذکر شویم و نیز، شدت تأکید قرآن کریم بر فضیلت عمیق ادب و لزوم خو گرفتن به آداب ادب را نمودار سازیم چه آن‌که تأکید مهم قرآن کریم بر رعایت ادب حقیقی در باطن آدمی و آداب فردی و اجتماعی، بر کثیری یا پوشیده و یا مورد تغافل است تا آنجا که گویا ادب در نگاه عموم مردم و در منظر اسلام مقوله‌ای فانتزی و منحصر در اموری تصنعی است.

تأکید، در این نوشتار محوریت دارد بنابراین ابتدا شرح مختصری درباره تأکید آورده می‌شود. تأکید در علم معانی

عبارت است از پای فشردن یا درنگ کردن بر یک خبر (کراز، ۱۳۹۱، ص ۱۳۳) و منظور آن یا آگاهی دادن به دیگری است یا اظهار اطلاع است از آنچه دیگری می‌داند و گاه ممکن است حکمی را بی‌آنکه حاجت به تأکید باشد به سبب مسلم بودن تأکید کنند مثل این قول سعدی که می‌گوید: «این سرایی است که البته خلل خواهد یافت خنک آن قوم که در بند سرای دگرند». (صفا، ۱۳۷۷، صص ۱۵-۱۶) تأکید از آرایه‌های کلامی و در علم نحو از توابع است که اثبات می‌کند معنای متبوع آن، حقیقی است و مجاز و مبالغه در آن راه ندارد و غایت و هدف آن، متمرکز کردن فهم و درک بر یک معناست. (گرما رودی، ۱۳۹۱، ص ۲۲). قرآن کریم از آن جهت که کلام خداوند است سراسر اهمیت و تأکید است اما استفاده از عوامل و ابزار تأکید در آیات متعدد آن، ما را به این نکته می‌رساند که موضوعاتی در قرآن کریم مورد تأکید بیشتری قرار گرفته‌اند علاوه بر آن‌که استفاده از واژه‌های احسن (التوبه: ۱۲۱)، هود: ۷، النحل: ۹۶ و ۹۷، الاسراء: ۵۳، الکهف: ۷ و ۳۰، المؤمنون: ۹۶، النور: ۳۸، العنکبوت: ۷ و ۴۶، الزمر: ۱۸ و ۲۳ و ۳۵ و ۵۵، فصلت: ۳۳ و ۳۴، احقاف: ۱۶، الملک: ۲، الاعراف: ۱۴۵)، اسوا (الزمر: ۳۵، فصلت: ۲۷)، اکبر (البقره: ۲۱۷ و ۲۱۹، آل عمران: ۱۱۸، النساء: ۱۵۳، الانعام: ۱۹، التوبه: ۳ و ۷۲، یونس: ۶۱، النحل: ۴۱، الاسراء: ۲۱، الانبیاء: ۱۰۳، العنکبوت: ۴۵، السجده: ۲۱، السبأ: ۳، الزمر: ۲۶، غافر: ۱۰ و ۵۷، الزخرف: ۴۸، القلم: ۳۳، الغاشیه: ۲۴)، اشد (البقره: ۸۵ و ۱۶۵ و ۱۶۱ و ۲۰۰، النساء: ۶۶ و ۷۷ و ۸۴، المائده: ۸۲، التوبه: ۸۱ و ۹۷، مریم: ۶۹، طه: ۷۱ و ۱۲۷، غافر: ۴۶، الزخرف: ۸، فتح: ۲۶، الحشر: ۱۳، المزمّل: ۶، النازعات: ۲۷) و ... در قرآن کریم ما را به لحاظ مراتب در این کتاب آسمانی متوجه می‌سازد.

قرآن کریم، جزئیات و موارد بعضی موضوعات را به تفصیل در آیات متعدد مطرح نموده است مانند موضوع ادب، اتحاد، شجاعت، حقوق زنان، عفاف و حجاب، علم و ... آیا

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

این موضوعات را به‌صرف این‌که با عنوان خاص خود مطرح نگردیده و در نتیجه عناوین آن‌ها، با ابزار و عوامل مرسوم مورد تأکید قرار نگرفته‌اند، نمی‌توان از موضوعات مورد تأکید قرآن کریم به حساب آورد؟ اگر می‌توان عامل تأکید بر این موضوعات چه عاملی است؟

یعنی هرچند در قرآن کریم، تأکیدهای لفظی و معنوی فراوان یافت می‌شود که به‌صورت مشخص نشان‌دهنده موضوعات مورد تأکید این کتاب مقدس هستند اما با مواردی نیز مواجه می‌شویم که وقتی در مجموعه موضوعی خود قرار گیرند، تأکید قرآن کریم را بر موضوع آن مجموعه، نشان می‌دهند به‌بیان دیگر قرآن کریم درباره‌ی آن موضوعات به تفصیل پرداخته یعنی جزئیات آن موضوعات را مشروح ساخته است از تفصیل و شرح این موضوعات می‌توان تأکید بر آن‌ها را استنباط کرد. تفصیل، همان تبیین است. در قرآن کریم آمده است: (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۸۱) «وَكُلِّ شَيْءٍ فِصْلَانُهُ تَفْصِيلًا» (الاسراء: ۱۲) «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...» (النحل: ۸۹) تفصیل، شرح دادن است به‌گونه‌ای که وجوه متمایز شیء، تبیین و تمیز داده شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۹۵) تفصیل، تبیین و توضیح است و ضد آن اجمال و ذکر مختصر است. (معلوف، ۱۳۶۵، ص ۵۸۵)

قرآن کریم گاه در متن یک آیه به تفصیل، جزئیات موضوعی را مطرح ساخته و آن موضوع را شرح داده است و بدین‌سان موضوع، مورد تأکید قرار گرفته است، مانند موضوع ثبت دیون در آیه ۲۸۲ سوره‌ی البقره و گاه جزئیات و موارد مربوط به موضوعی را در آیات متعدد مطرح و مشروح ساخته و به تفصیل از آن سخن گفته است. از این روش می‌توان فهمید که بر آن موضوع، به‌عنوان یک موضوع اصلی با ذکر موارد و جزئیات آن به‌صورت متوالی و غیر متوالی تأکید شده است، برای نمونه، قرآن کریم پیرامون ادب نسبت به خداوند، پیامبر، والدین و مردم موارد دقیق و مهمی را مطرح ساخته است

هم چنانکه در رابطه با ادب استفاده از نعمت‌ها، شرکت در مساجد و اجتماعات، نکاتی قابل تأمل ذکر نموده است. قرآن کریم با طرح انواع سخن گفتن، آداب روان‌شناسانه‌ای را درباره متداول‌ترین وسیله ارتباط انسان‌ها بیان نموده است. آداب دیگری که در متن مقاله مطرح خواهد شد نیز هرکدام راهکارهایی برای حل مشکلات اخلاقی، اختلافات خانوادگی و ناهنجاری‌های اجتماعی است. در این مقاله با طرح عامل پیشنهادی تفصیل، تأکید قرآن کریم بر فضیلت اخلاقی ادب مطرح گردیده است. قرآن کریم آن‌چنان‌که در ادامه خواهد آمد بر موضوع ادب، تأکید و عنایتی ویژه داشته است. پژوهش حاضر جهت بیان این تأکید و ادای حق این کتاب قدسی زندگی، در بضاعت ناچیز ما، انجام پذیرفته است تا در برابر ادعاهای ظاهری ادب در جهان امروز، آداب حقیقی قرآنی نمودار گردد. مطرح کردن تأکید قرآن کریم بر ادب و نشان دادن جزئیات مورد نظر قرآن در حوزه ادب فردی و اجتماعی، ضرورت همه جوامع انسانی و خصوص جامعه مسلمان‌هاست تا در کنار التزامات دینی، احکام و قوانین الهی، التزامات ادبی و اخلاقی را لحاظ نمایند.

در این نوشتار، عامل تأکید، تحت عنوان تفصیل قرار داده شده تا با استفاده از آن، تأکید قرآن کریم بر موضوعات فوق مشخص گردد. قرآن کریم با عبارت «يُحِبُّ» و «لَا يُحِبُّ» ادب بندگی را در آیاتی متذکر گردیده، در آیاتی دیگر ادب سخن گفتن با خدا، پیامبر، پیروان ادیان الهی، مردم و نیز ادب معاشرت و زندگی اجتماعی و آداب فردی را یادآور شده است، توجه به مجموعه این آیات، اهمیت و تأکید قرآن کریم را نسبت به موضوع ادب می‌رساند. این مجموعه درباره هر موضوع دیگری در قرآن کریم، می‌تواند عامل تفصیل را برای تأکید بر آن موضوع در قرآن کریم فراهم آورد.

پیشینه تحقیق

ژول لایوم (۱۸۰۶-۱۸۷۶) خاورشناس مسیحی فرانسوی، به طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی موضوعات قرآن کریم اقدام و کتاب تفصیل الآیات (ژول لایوم، مترجم مهدی الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۶) را بر مبنای ترجمه فرانسوی کازیمیرسکی از قرآن (آلبرت کازیمیرسکی، ۱۸۵۲) تدوین کرده است و سپس محمد فؤاد عبد الباقی که خود نیز صاحب کتابی به نام تفصیل آیات است با ترجمه کتاب لایوم، آن را به نام تفصیل آیات القرآن الحکیم (ژول لایوم، مترجم: محمد فؤاد عبد الباقی، ۱۳۶۰) منتشر نموده که البته به نوع طبقه‌بندی آیات قرآن در بابهای این کتاب ایرادات اساسی توسط محققان اسلامی از جمله عبدالصبور مرزوق وارد گردیده است (نوری، ۱۳۸۰ صص ۱۱۱-۱۱۲) اما در این نوشتار منظور ما از تفصیل، مجموعه آیتانی است که پیرامون یک موضوع در قرآن کریم مطرح و در آن آیات، به جزئیات و موارد آن موضوع پرداخته شده است و از این طریق، اهمیت و تأکید قرآن کریم بر آن موضوع استنباط می‌شود، هرچند، هر آیه خود حاوی عوامل تأکید متعددی می‌تواند باشد.

ناگفته پیداست که پیرامون موضوع ادب، کتب، مقالات و پژوهش‌هایی انجام یافته که ذکر همه آن‌ها از گنجایش مقاله حاضر بیرون است اما با نگاه بررسی تأکید قرآن کریم بر موضوع ادب با عاملی به نام تفصیل، پیشینه‌ای یافت نگردید اما مقالات زیر با موضوع ادب مرتبط می‌باشند: مقاله کارگفت‌های ترغیبی و بررسی قوانین جرج لیکاف (نظریه ادب) در قرآن کریم، احمدی، نقی زاده، حسینی، ر، ۱۳۹۷، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۹، صص ۲۱-۹ و بررسی دیدگاه مفسران در رعایت عفت و ادب در بیان الفاظ قرآن کریم، دیاری بیدگلی، مرادی کیاسرای، م، ۱۳۹۷، مطالعات تفسیری، ش ۲۶، صص ۶۶-۴۷ و ادب دعا در نیایش پیامبران از دیدگاه قرآن، حاجی اسماعیلی و نقد علی، م، ۱۳۸۹، قرآنی کوثر، ش ۳۵، صص ۳۰-۱۵ و ادب

در گفتمان قرآن گفتگوی موسی علیه السلام و فرعون در سوره اعراف، سلطانی، دهقان نیری و مقدسی نیا، س، ۱۳۹۷، ش ۸، صص ۲۴-۱ و ادب همزیستی در قرآن، سیدالحسینی، ر، ۱۳۹۲، زلال وحی، ش ۲۳، صص ۶۱-۷۲ و شرایط گوینده و شنونده در تأثیر سخن از منظر ادب تعلیمی و عرفانی با تکیه قرآن و حدیث، بیات، م، ۱۳۹۰، بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۲۰، صص ۲۳-۱، ادب برابر خدا روش الگویی پیامبران اولوالعزم به هنگام دعا، حسین زاده، ع، ۱۳۸۹، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۴، صص ۸۶-۶۳ و آداب اجتماعی در تفسیر المیزان، امین پور و امین پور، ف، ۱۳۹۳، معرفت، ش ۲۰۲، صص ۳۰-۱۵، تأثیر قرآن و حدیث در ادب عرفانی، واعظ، ب، ۱۳۹۰، سراج منیر، ش ۳، صص ۶۲-۹۶، ادب مندی پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله، فرج الهی، فرج، ۱۳۹۶، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۶۷۲، صص ۳۲-۳۷، بازشناسی ادب و تفاوت آن با اخلاق، هدایتی، م، ۱۳۹۶، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۶، صص ۹۳-۱۱۸ و کتاب‌ها و مقالات دیگری که پیرامون ادب تألیف یافته است و ذکر همه آن‌ها در ظرفیت مقاله حاضر نیست.

روش‌شناسی تحقیق

قرآن کریم، زمانی یک مطلب را همراه با تأکید می‌آورد که مخاطب نیازمند آن باشد. چنانچه مخاطب در صداقت مطلبی، تردید داشته باشد یکی از ابزارهای تأکید را به کار می‌برد و در صورتی که مخاطب، منکر مطلبی باشد از دو یا چند ابزار تأکید استفاده می‌کند؛ بنابراین قرآن کریم، هر جا که از اسلوب تأکید استفاده کرده به صورت بسیار دقیق و کارشناسانه این مسئله را رعایت نموده است و درگزینش واژگان تأکید و قرار دادن آن‌ها در جایگاه مناسب، بی‌نهایت دقت به خرج داده است. (صالح، ۱۹۸۶، ص ۱۱۵)

تأکید در قرآن کریم با عوامل و نشانه‌هایی ظهور یافته است از نشانه‌های تأکید در قرآن کریم می‌توان ان، انما، لام

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

ابتداء و لام مزحلقة، نون‌های تأکید، قد، حروف تنبیه (الا، اما، ها) اُمای شرطیه تفصیلیه و. از عوامل تأکید در قرآن کریم عامل قسم، اطناب، تشبیه، استعاره، تکرار، تزییل و... نیز شیوه‌های بلاغی گوناگونی همانند عدول از فعل امر به استفهام، التفات، استفاده از اسم ظاهر به جای ضمیر، عدول از جمله فعلیه به اسمیه، تقدم ما حقه التأخیر و... نام برد.

در این مقاله ما پیشنهاد اضافه کردن عامل دیگری را به عوامل تأکید به نام عامل تفصیل، مطرح کرده‌ایم. تفصیل، غیر از متوجه ساختن ما به موضوعات مورد تأکید قرآن کریم به موازات آن، ما را به جزئیات موضوعات مورد تأکید و اهمیت قرآن کریم متوجه می‌سازد. برای یافتن عامل تفصیل، در قرآن کریم باید موضوعاتی را که جزء به جزء آن‌ها در قرآن کریم مطرح و به موارد مربوط به آن‌ها پرداخته شده است پیدا کرد و در این مرحله به میزان تأکید و نیز دقت اعجاز گونه قرآن در شناخت و شرح موارد و جزئیات مربوط به آن موضوع می‌توان پی برد. جهت، بازشناسی موضوعات مورد تأکید قرآن کریم با روش تفصیل، ابتدا با مجموع آیات قرآنی باید مأنوس بود تا بتوان آیات مرتبط با موضوع مورد نظر را شناسایی نمود البته امروزه با استفاده از کتاب‌هایی که آیات قرآنی را موضوع‌بندی کرده‌اند این کار به سهولت امکان‌پذیر است، سپس با توجه به اهمیت موضوع، تعداد آیات مربوط به موضوع و دقت در تفاسیر مختلف پیرامون تک‌تک آن آیات، به میزان تأکید قرآن کریم بر آن موضوع دست‌یافت. موضوعات پر تأکید، معمولاً علاوه بر تعداد فراوان آیات، در متن خود آیات مربوط به جزئیات و موارد آن‌ها نیز عوامل تأکید دیگری بنا به میزان اهمیت آن جزء و مورد در بردارند. قرآن کریم، در رابطه با موضوع ادب، در یکصد و هفت آیه، به تفکیک آدابی را ذکر کرده علاوه بر آن‌که در آیات دیگری نیز تلویحاً، موارد متعددی از آداب مطرح نموده است.

در این مقاله، آیات مرتبط با ادب که به تفصیل هرکدام

لایه‌هایی از کاربرد ادب را در زندگی مشخص می‌سازند همراه با تحلیلی مختصر با استفاده از کتب تفسیری در مجموعه‌ای قرار داده‌ایم این مجموعه، تفصیل و تأکید قرآن کریم را بر موضوع ادب نشان می‌دهد البته رویکرد این مقاله، رویکردی اخلاقی است اما از آنجاکه تأکید، در تفسیر متون وحیانی خصوصاً تفسیر قرآن کریم، نقش مهمی را ایجاب می‌کند ارتباط تنگاتنگی با تفسیر و متون تفسیری می‌تواند داشته باشد.

ادب

ادب را تمرین دادن نفس (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹) حسن اخلاق (الطریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۱) راهنمای مردم به سوی کار پسندیده و بازدارنده‌ی آنان از کار زشت دانسته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۴، ص ۲۰۶)

آیات متعددی از قرآن کریم به این موضوع مهم پرداخته و نکات و ظرایف قابل تأملی را به تفصیل در این باره مطرح نموده است که دقت در مجموعه آن‌ها ما را به تأکید قرآن کریم بر موضوع ادب متوجه می‌سازد. تذکرات قرآنی حول محور آداب اخلاقی به صورت مجموعه‌ای در نظر گرفته شده که تأکید مهم قرآن بر موضوع ادب، از نگرش بر کل این مجموعه، دریافت می‌شود.

ادب نسبت به خداوند

با توجه به این‌که عالم محضر خداست ضرورت ادبی فراگیر، در زندگی یک انسان موحد، آشکار است. ادب اقتضا دارد در محضر خداوند آنچه را پسندیده است به جا آورده و آنچه را ناپسند است فروگذاریم. در این مقاله موضوع ادب نسبت به خداوند در عباراتی با واژه‌های «یُحِبُّ» و «لَا یُحِبُّ» لحاظ شده است. قرآن کریم در بیست و چهار آیه، آنچه را خداوند از انسان‌ها نمی‌پسندد، با عبارت «لَا یُحِبُّ» مطرح نموده است:

و در ۴۲ آیه درباره‌ی سخن گفتن، آدابی را ذکر فرموده است. دستور به توبه، انابه و استغفار در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است اما فرمان مستقیم به گفتن کلمه‌ای برای طلب بخشش از خداوند، در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی بقره خطاب به قوم بنی‌اسرائیل قرار دارد که متعاقب نافرمانی‌ها و ناشکری‌های آنان پس از گذران چهل سال سرگردانی در بیابان، در هنگام ورود به سرزمین بیت‌المقدس، به آن‌ها امر شده و آن امر به گفتن کلمه «حطه» است. حطه معانی دیگری هم دارد که در اینجا به معنی «گناهان ما را فروریز» به‌کاررفته است. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۸) از این فرمان مستقیم الهی، امر به استغفار و درخواست بخشش از گناهان به صورت قول و گفتار حاصل می‌شود: «وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُجْسِنِينَ: و بگویند: [خدایا! خواسته ما] ریزش گناهان ماست تا گناهانتان را بیامرزیم و به‌زودی [پاداش] نیکوکاران را بیفزاییم» (البقره: ۵۸) از عبارت «سَنَزِيدُ الْمُجْسِنِينَ» می‌توان چنین برداشت کرد که طلب بخشش و استغفار برای کسانی که اهل گناه نیستند یعنی «الْمُجْسِنِينَ» وسیله‌ی ازدیاد نعمت و توفیق است.

ادب سخن گفتن با خدا و پیامبر

قرآن کریم در یک بیان کلی، روش و رفتار کلامی نسبت به خدا و پیامبر را ترسیم می‌فرماید: «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: گفتار مؤمنان هنگامی که آنان را به سوی خدا و پیامبرش می‌خوانند تأمیانشان داوری کند، فقط این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و اینان‌اند که رستگارند» (النور: ۵۱). و در جایگاهی دیگر، پس از اعتراض نسبت به کاربرد کلمه‌ای با مفهوم نادرست، جانشینی نیکو برای آن کلمه را متذکر می‌گردد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَكِنَّا نَحْنُ مُوقِنُونَ: ای کسانی

تعدی (البقره: ۱۹۰، المائده: ۸۷، الاعراف: ۱۵۷)
فساد (البقره: ۲۰۵، المائده: ۶۴، القصص: ۷۷)
کفر (البقره: ۲۷۶، آل عمران: ۳۲، الحج: ۳۸، الروم: ۴۵)
ظلم (آل عمران: ۵۷ و ۱۴۰، الشوری: ۴۰)
مختال و فخور (النساء: ۳۶، لقمان: ۱۸، الحديد: ۲۳)
اثم (النساء: ۱۰۷)
اسراف (الانعام: ۱۴۶، الاعراف: ۳۱)
خیانت (النساء: ۱۰۷، الانفال: ۵۸، الحج: ۳۸)
استکبار (النحل: ۲۳)
«فرح» به معنای شادی مذموم توأم با تکبر (القصص: ۷۶)
«جهر بالسوء» به معنای افشای بدی‌های دیگران مگر برای کسی که مظلوم واقع شده باشد (النساء: ۱۴۸)

خداوند در یازده آیه نیز با عبارت «يُحِبُّ» آنچه را از انسان‌ها می‌پسندد، ذکر نموده است:
احسان (البقره: ۱۹۵، المائده: ۱۳)
توبه و طهارت نفس (المائده: ۲۲۲)
تقوا (آل عمران: ۷۶، التوبه: ۴ و ۷)
توکل (آل عمران: ۱۵۹)
عدالت (المائده: ۴۹، الحجرات: ۹، الممتحنه: ۸)
جهادگری صف در صف پوладین (الصف: ۴)

برای رسیدن به آنچه خداوند از آدمی می‌پسندد و آنچه نمی‌پسندد به تربیت و تأدیب نفس نیاز است گویا خداوند انسان مؤدب را با این صفات معرفی نموده است در ضمن، انسان بی‌ادب را در مشخصات مخالف آن معرفی می‌نماید.

ادب سخن گفتن

در سوره‌ی الرحمن آیات ۳ و ۴ پس از مطرح‌شدن رویداد بزرگ خلقت انسان، از نعمت «سخن گفتن» یاد می‌شود: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ: انسان را آفرید. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ: به او بیان آموخت». در قرآن کریم ۳۲۶ بار به سخن حق و باطل، پرداخته شده است

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

که ایمان آورده اید! [هنگام سخن گفتن با پیامبر] مگویید: راعنا [یعنی: در ارائه احکام، امیال و هوس‌های ما را رعایت کن] و بگویید: انظرنا [یعنی: مصلحت دنیا و آخرت ما را ملاحظه کن] و [فرمان‌های خدا و پیامبرش را] بشنوید» (البقره: ۱۰۴) این آیه ناظر به یک فرمان الهی خطاب به اهل ایمان نسبت به ادب گفتاری در ارتباط با پیامبر است. عبارت آخر آیه «وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» منظور از کافران، کسانی هستند که از این دستور سرپیچی کنند و این یکی از مواردی است که در آن کلمه‌ی کفر، در ترک وظایف فرعی به‌کاربرده شده و خود، نهی شدیدی در گفتن کلمه‌ی «راعنا» خطاب به پیامبر است که عذاب دردناک را به دنبال دارد. چنانکه از آیه‌ی بعد برمی‌آید یهود، این کلمه را با نیت ناسزا خطاب به پیامبر به کار می‌بردند لذا یک وجه نهی شدید قرآن برای اهل ایمان می‌تواند این نحوه و معنای کاربرد «راعنا» در یهود باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ج ۱، صص ۲۴۵-۲۴۸)

قرآن کریم با طرح ادب حتی در نوع سخن گفتن با پیامبر به‌عنوان یک رهبر دینی، اجتماعی و سیاسی، راهکار مهمی را برای سامان بخشیدن به امور مسلمین مطرح می‌سازد که اگر جوامع اسلامی نسبت به رهبر خود که با عنوان مرجعیت جهان اسلام و البته با خصوصیت اصلی تقوی و درایت سیاسی اجتماعی شاخص می‌شود به‌کارگیرند از آشفتگی‌های موجود که آنان را طعمه مقاصد شوم قرار داده است رها خواهند گشت. درباره‌ی ادب صحبت کردن در حضور پیامبر رسم و راه صحیح را گوشزد می‌نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ: ای مؤمنان! صدابتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و آن‌گونه که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید با او بلند سخن نگویید، مبدا آنکه اعمالتان تباه و بی‌اثر شود و شما تباهی آن را درک نکنید» (الحجرات: ۲) در این آیه علاوه بر منادا و های تنبیه و فعل نهی، مفهوم احباط

عمل، بار تأکید فراوانی را بر موضوع مورد نهی قرار می‌دهد.

ادب سخن گفتن با اهل کتاب

قرآن کریم برای گفتگو و احتجاج با اهل کتاب، با تأکیدی که در به‌کاربردن فعل نهی «لَا تَجَادِلُوا» همراه با «إِلَّا» ی استثنا به‌عنوان ابزار تأکید، ایجاد می‌کند روش مجادله‌ی احسن را که طبیعی است از اقوال احسن منتج می‌شود توصیه می‌فرماید و سخن را به اقرار به وجه اشتراک تمامی مکاتب الهی، جهت تقریب و تألیف دل‌ها، می‌رساند: «لَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمِنًا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَالْهُنَا وَالْهَيْكُمُ وَاحِدٌ وَنَجْنٌ لَهُ مُسْلِمُونَ: و با اهل کتاب جز با نیکوترین شیوه مجادله و گفتگو نکنید، مگر با کسانی از آنان که [در مجادله با شما] ظالمانه به میدان آیند و بگویید: به آنچه به‌سوی ما و به‌سوی شما نازل شده است، ایمان داریم و معبود ما و معبود شما یکی است و ما تسلیم [فرمان‌ها و احکام] او هستیم» (عنکبوت: ۴۶)

ادب سخن گفتن از نعمت

شکر زبانی، آسان‌ترین مرحله‌ی شکر است که البته حقیقت آن پس از شناخت نعمت و منعم، ممکن می‌گردد. خداوند یک نمونه ادب در شکر زبانی را پس از سوارشدن بر وسیله‌ی نقلیه، چنین آموزش می‌دهد: «ثُمَّ تَذَكِّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ: سپس هنگامی که بر آن‌ها سوار می‌شوید نعمت پروردگارتان را به یادآورید و بگویید: منزّه [از هر عیب و نقصی] است کسی که این [وسایل سواری] را برای ما مسخر و رام کرد، درحالی‌که ما را قدرت مسخر کردن آن‌ها نبود» (الزخرف: ۱۳) در آیه‌ی ذکرشده، روش شکرگزاری از طریق گفتار، آموزش داده شده: وقتی از نعمتی بهره‌مند شدید: «إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ» بگویید: «تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا»، خداوندی این

نعمت را عطا کرده که پاک و منزه است، یعنی منعم را و مقام و مرتبه‌ی او را که منزه است بشناسید و یاد کنید و نیز ناتوانی خود را در خلق و تحصیل آن نعمت متذکر شوید «وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ».

ادب سخن گفتن با دیگران (قول حسن و احسن)

قرآن کریم، بانام بردن از چندین نمونه سخن گفتن، ادب گفتگو در جایگاه‌های مختلف را بیان کرده و راه و رسم سخن گفتن را با مردم، آموخته است:

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و با مردم با خوش‌زبانی سخن‌گویید» (البقره: ۸۳) جابر در تفسیر کلمه‌ی «حُسن» از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: به مردم بهترین چیزی را که دوست دارید به شما گفته شود بگویید زیرا که خداوند مورد غضب قرار می‌دهد کسی را که ناسزا می‌گوید و نفرین می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۹۸)

«وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا؛ و هنگامی‌که به شما درود گویند، شما درودی نیکوتر از آن، یا همانندش را پاسخ دهید؛ یقیناً خدا همواره بر همه چیز حسابرس است» (النساء: ۸۶)

«وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا؛ و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند؛ زیرا شیطان میان آنان [به سبب سخنان زشت و بی‌منطق] دشمنی و نزاع می‌افکند همانا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است» (الاسراء: ۵۳) در آیه‌ی ذکرشده پیامبر مأمور است که بندگان خداوند را به قول احسن امر فرماید، قول احسن قولی است مشتمل بر ادب و خالی از خشونت و ناسزا و هر مفسده‌ی دیگر و دور از وسوسه‌های شیطان. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، صص ۱۱۷-۱۱۹) این کتاب مقدس در جایگاهی دیگر، قول احسن را این‌گونه تعریف می‌کند: «وَ مِنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مَمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ

عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ و خوش‌گفتارتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و کار شایسته انجام دهد و گوید: من از تسلیم شدگان [در برابر فرمان‌ها و احکام خدا] هستم، کیست؟» (فصلت: ۳۳) و این همان‌گونه سخن گفتنی است که حضرت یوسف در زندان مصر با زندانیان، برای دعوت آنان به یکتاپرستی به کاربرد: «يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَأَرَبَابٌ مُتَّفَقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؛ ای دو یار زندانی! آیا معبودان متعدد و متفرق بهتر است یا خدای یگانه مقتدر؟... إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛ او فرمان داده که جز او را نپرستید. دین درست و راست و آیین پابرجا و حق همین است...» (یوسف: ۳۹-۴۰)

قول معروف

معروف، اسمی است برای هر کاری که از نظر عقل و شریعت نیکو شمرده شود. (خسروی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸۶) قرآن کریم صحبت پنهانی را در مورد ازدواج با زنی که در عیده بسر می‌برد نهی کرده و به «قول معروف» یعنی سخن گفتن معمولی که برخلاف شرع نباشد امر می‌کند خلاف شرع در این مورد آن است که با چنین زنی قرار ازدواج مطرح شود: «وَ لَكِنَّ لَا تَوَاعِدُوهُمْ سِرًّا إِلَّا أَنْ يَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ولی با آنان در پنهانی و خلوت قرار ازدواج نگذارید، جز آنکه گفتاری پسندیده [و بدون صراحت و وضوح] بگویید» (البقره: ۲۳۵)

قرآن کریم ضمن سفارش به رسیدگی به حال سفیهان که از عقل معاش برخوردار نیستند در مورد نحوه سخن گفتن با آنان به معروف، امر می‌کند در اینجا منظور از معروف، طریقه‌ی سخن گفتن با معمول مردم است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۷۲) چراکه سفیهان گرچه از نظر رتبه‌ی عقلی در مرتبه‌ی عقلا نیستند اما یک انسان‌اند و کسی حق ندارد با روش تحقیر و توهین با آنان سخن گوید: «وَلَا تَوْتُوا السُّفِهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

و اموالتان را که خدا مایه قوام و برپایی [زندگی] شما گردانیده به سبک مغزان ندهید ولی آنان را از درآمد آن بخورانید و لباس بیوشانید و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده سخن گویند» (النساء: ۵)

درباره سخن گفتن با نزدیکان و یتیمان و مساکینی که در هنگام تقسیم ارث در جمع تقسیم‌کنندگان و ذی‌حقوقان حاضر می‌شوند نیز همراه با سفارش به برخوردار کردن آن‌ها به چیزی، توصیه به قول معروف شده است. در این جایگاه، منظور از قول معروف، قولی است که با نرمی و مهربانی توأم باشد (همان: ۲۰۰) «وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا: چون هنگام تقسیم کردن ارث، خویشاوندان و یتیمان و مستمندان حاضر شدند، چیزی از آن را به ایشان بدهید و با آنان سخنی شایسته و پسندیده گویند» (النساء: ۸)

در پایان این قسمت، نظری بر ترجیح لطیف و ظریف قرآن کریم به «قول معروف» نسبت به «انفاق» به نیازمندی که نیاز مادی‌اش برطرف ولی مورد اذیت زبانی و تحقیر قرار می‌گیرد، داشته باشیم: «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أذًى وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ: گفتاری پسندیده [در برابر تهیدستان] و عفو [ی کریمانه نسبت به خشم و بدزبانی مستمندان] بهتر از بخششی است که دنبالش آزاری باشد و خداوند بی‌نیاز و بردبار است.» (البقره: ۲۶۳) شاید بتوان گفت در قسمت پایانی آیه با عنوان کردن وصف بردباری برای خداوند، لازمه استفاده قول معروف در برابر اشخاص مختلف، دارا بودن نفس تربیت شده بردبار با تاسی به پروردگار ذکرشده است هرچند وصف غنی خود تذکری است به انفاق کننده تا متوجه باشد بی‌نیاز کننده اصلی خداوند است.

قول سدید

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا: ای اهل

ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گویند» (الاحزاب: ۷۰)

«سداد و سدد»، به معنای استقامت و پایداری است و نیز سداد، به‌طور استعاره چیزی است که مانع فقر باشد و نیازمندی را رفع کند. (خسروی، ۱۳۷۲، ج: ۲، ص ۱۹۹) چون غالباً بین گفتار و رفتار ملازمه هست گاه از قول به رفتار تعبیر می‌شود پس می‌توان از قول سدید، رفتاری را که قابل اعتقاد و پیروی است برداشت نمود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۱۷) هرچند قول سدید می‌تواند سخن استواری که در آن سست‌عهدی و خلاف واقع راه ندارد، نیز باشد. قرآن کریم در مورد یتیمان سفارش به چنین قول و رفتاری دارد اضافه بر آن‌که بنا به تعریف راغب اصفهانی از قول سدید، توصیه به قول و رفتاری است که نیازهای عاطفی و مادی آنان را مرتفع سازد. (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۷) «وَ لِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضَعُفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا: و کسانی که اگر فرزندان ناتوان پس از خود به جای می‌گذارند، بر آنان [از ضایع شدن حقوقشان] بیم دارند، باید [از اینکه حقوق یتیمان دیگران را ضایع کنند] بترسند. پس لازم است [نسبت به شأن یتیمان] از خدا پروا کنند و [درباره آنان] سخنی درست و استوار گویند.» (النساء: ۹)

قول لین (میسور)

لین به معنای نرمی و ضد خشونت است، درباره‌ی اجسام به کار می‌رود و به‌صورت استعاره درباره‌ی اخلاق و دیگر معانی نیز به‌کاررفته است. (خسروی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۷۶) و نیز قول میسور یعنی قول لین که خشونتی در آن نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۸۳) قرآن که اخلاق پیامبر را با وصف «عظیم» می‌ستاید: «وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ: و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری.» (القلم: ۴) وجه نرم‌خویی آن حضرت را رحمتی از جانب خداوند معرفی می‌کند:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: [ای پیامبر! پس به مهر و رحمتی از سوی خدا، با آنان نرم خوی شدی و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند].» (آل عمران: ۱۵۹)

نرمی و ملایمت در سخن گفتن چیزی است که خداوند حتی در مواجهه با فرعون که ۳ بار (طه: ۲۴، ۳۴ و النازعات: ۱۷) در قرآن کریم با سرکشی و طغیان وصف شده است: «إِذْ هَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى: به سوی فرعون برو؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است» به حضرت موسی و هارون علیهما السلام سفارش می فرماید: «قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى: پس با گفتاری نرم به او بگویند، امید است که هوشیار شود و [آیین حق را بپذیرد] یا بترسد [و از سرکشی بازایستد].» (طه: ۴۴) از عبارت پایان آیه می توان دریافت که در سخن نرم، امید تأثیر است.

قول کریم

کریم از مصدر «کرم» به معنی بخشش و نعمت دادن است. کرم صفت انسان کریم است که می تواند اسمی برای افعال و اخلاق پسندیده ای که از انسان ظاهر می شود باشد و به کار نمی رود مگر در نیکی ها و محاسن بزرگ و واژه ی کریم تا وقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود به کار نمی رود. (خسروی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲)

قرآن کریم «سخن گفتن کریمانه» را با پدر و مادر توصیه می کند سخن گفتنی که از آن لطف و مهربانی و تکریم ظهور یابد: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أِفٌ وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا: و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اِف مگوی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن و به آنان

سخنی نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو» (الاسراء: ۲۳) در این آیه به تفصیل، بر سخن گفتن مهرآمیز با پدر و مادر سفارش شده است و نهی از به کاربردن واژه ی «اِف» بار مفهومی مهمی را بر تأکید می افزاید. در مقایسه با اقسام قول هایی که در قرآن کریم مطرح شد «قول کریم» از بار عاطفی ویژه ای برخوردار است.

ادب نسبت به خویشان

از آنجاکه آدمی صاحب کرامت است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ...» (الاسراء: ۷۰) قرآن کریم ادب نسبت به خویشان خویش را توصیه می فرماید: «... فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ... پس هرگاه به خانه هایی [که ذکر شد] وارد شدید، بر خودتان سلام کنید که درودی است از سوی خدا [درودی] پربرکت و پاکیزه، خدا این گونه آیات را برای شما بیان می کند تا بیندیشید.» (النور: ۶۱)

ادب اجتماعی

درباره حسن معاشرت، قرآن کریم در سوره حجرات موارد متعددی را متذکر ساخته است، پرهیز از سوءظن، غیبت، لقب های زشت، تمسخر و نیز ترغیب به اقدام به صلح و آشتی در بین یکدیگر، (الحجرات: ۹-۱۲) از جمله مواردی است که در این سوره مطرح شده است. علاوه بر این ها قرآن کریم در ارتباط با چگونگی برخورد با دیگران نکات دقیق و قابل تأملی را متذکر می گردد:

«وَلَا تَصِعْزُ حَيْدِكَ لِلنَّاسِ ... متکبرانه روی از مردم برمگردان، ...» (لقمان: ۱۸). «... وَ إِيغِضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْجَمْرِ: ... و از صدایت بکاه که بی تردید ناپسندترین صداها صدای خران است.» (لقمان: ۱۹)

در سوره فصلت یک ادب مهم اخلاقی آمده که گره گشای بسیاری از مشکلات خانوادگی، اجتماعی و زندگی در جوامع

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

کوچک و بزرگ بشری است و آن جبران بدی‌های دیگران نسبت به خود، با خوبی‌هاست هرچند در ادامه، آن را کاری بزرگ و خارج از طاق‌ت افراد عادی، معرفی می‌نماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ: نیکو و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است. این بهترین شیوه را جز کسانی که [در زمینه خودسازی و تزکیه] پایداری کردند، نمی‌یابند و جز کسانی که بهره‌بزرگی [از ایمان و تقوا] دارند به آن نمی‌رسند». (فصلت: ۳۴-۳۵) قرآن کریم درباره ورود به حریم خصوصی دیگران، چنین ادبی را مطرح می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: ای اهل ایمان! به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن‌ها سلام کنید [رعایت] این [امور اخلاقی] برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید». (النور: ۲۷)

«فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِعُوا فَازْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ: نهایتاً اگر کسی را در آن‌ها نیافتید، پس وارد آن نشوید تا به شما اجازه دهند و اگر به شما گویند: برگردید، پس برگردید که این برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید، داناست». (النور: ۲۸)

قرآن کریم در رابطه با شرکت در اجتماعات و مجالس نیز به نکات ظریف و دقیقی که از آداب معاشرت نشأت می‌گیرد اشاره فرموده است و آن رعایت احترام نسبت به افراد تازه‌وارد و نیز عدم ایجاد مزاحمت و اتلاف وقت پس از تمام شدن برنامه اجتماعات است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا

يُرْفِعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. ای مؤمنان! هنگامی که گویند: در مجالس [برای نشستن دیگر برادرانتان] جا باز کنید، پس جا باز کنید تا خدا برای شما [در بهشت] جا باز کند و چون گویند: برخیزید، بی‌درنگ برخیزید تا خدا مؤمنان از شما را به درجه‌ای و دانشمندان را به درجاتی [عظیم و باارزش] بلند گرداند و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است». (المجادله: ۱۱)

این کتاب مقدس گفتگوهای پنهانی در جمع را عملی شیطانی معرفی می‌کند: «إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا... جز این نیست که گفتگوی محرمانه [بی‌منطق و رازگویی بی‌دلیل] از [ناحیه] شیطان است تا مؤمنان را اندوهگین کند...» (همان: ۱۰)

ادب شرکت در مساجد

تطهیر مساجد که محل اجتماع مردم است، به‌عنوان نمونه، تطهیر بیت‌الله الحرام در قرآن کریم مطرح گردیده است: «... أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ...» سفارش کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجده‌گذاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید». (البقره: ۱۲۵)

قرآن کریم، همچنین برای ادب حضور در مساجد علاوه بر تطهیر مسجد و طهارت حاضرین، آراستگی ظاهر را نیز متذکر شده است: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ... ای فرزندان آدم! [هنگام هر نماز و] در هر مسجدی، آرایش و زینت [مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان] همراه خود بگیرید...» (الاعراف: ۳۱)

ادب استفاده از نعمت‌ها

در قرآن کریم، ادب استفاده از نعمت‌ها، حول محور نام بردن از خداوند، خوردن از حلال و طیب، اسراف نکردن و

شکرگزاری مطرح است که همه این موارد در تغذیه سالم و بهداشت روانی مؤثرند:

«فَكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ: پس اگر به آیات خدا ایمان دارید، از آنچه [از گوشت حیوان حلال‌گوشی] که [وقت ذبح شدن] نام خدا بر او برده شده بخورید [نه از ذبیحه گمراهان.]» (الانعام: ۱۱۸)

«وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِشْقٌ...: از آنچه [هنگام ذبح شدن] نام خدا بر آن برده نشده نخورید؛ مسلماً خوردن آن فسق [و بیرون رفتن از عرصه طاعت خدا] است؛ ...» (الانعام: ۱۲۱)

«...كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.» (الاعراف: ۳۱)

«فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ: از نعمت‌هایی که خدا روزی شما کرده است، حلال و پاکیزه بخورید و نعمت خدا را سپاس‌گزارید، اگر تنها خدا را می‌پرستید.» (النحل: ۱۱۴)

ادب نسبت به والدین

قرآن کریم سفارش نسبت به پدر و مادر را در اولویتی بدون فاصله پس از خود که خالق هستی است قرار داده و درباره رفتار با آن دو، آیتی صریح و روشن دارد: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِيَّ عَامِينَ أَنْ إِشْكُرْ لِي وَ لِيُؤَدِّ بِكَ إِلَى الْمَصِيرِ: و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد [درحالی‌که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و بازگرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به سوی من است.» (لقمان: ۱۴)

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَ وَضَعَتْهُ

كَرْهًا: و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید...» (الاحقاف: ۱۵)

قرآن کریم، ادب نسبت به پدر و مادر را که در خوش رفتاری و حوصله و محبت به آن‌ها جلوه می‌کند چنین مطرح می‌نماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أِفٌ وَلَا تَهْزُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا: و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اف مگوی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو.» (الاسراء: ۲۳)

«وَ إِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّجْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا: و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو؛ پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده.» (الاسراء: ۲۴)

قرآن کریم نسبت به پدر و مادر، حتی اگر به شرک که از آن تعبیر به ظلم عظیم (لقمان: ۱۳) در کلام خداوند شده است، امر کنند رفتاری این چنین را توصیه می‌نماید: «وَأَنجَاهِدْكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا... و اگر آن دو نفر تلاش کنند تا بر پایه جهالت و نادانی [و بدون معرفت و دانش که روشنگر حقایق است] چیزی را شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن؛ ولی در دنیا با آن دو نفر به شیوه‌ای پسندیده معاشرت کن...» (لقمان: ۱۵)

این آداب چقدر می‌تواند در تحکیم ارتباط بین فرزندان و والدین مؤثر باشد و خانه و خانواده را برای طرفین امنیت بخشیده و پناهگاه مهر و محبت قرار دهد.

این کتاب مقدس، درباره ادب اجازه خواستن برای ورود به خلوت پدر و مادر بالحاظ مراقبت از ذهن کودکان جهت دست

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

نیافتن به بلوغ جنسی زودرس می‌فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْإِطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: و هنگامی که کودکان شما به مرز بلوغ رسیدند، باید [برای ورود به خلوت خانه شخصی شما] اجازه بگیرند، همان‌گونه که کسانی که پیش از آنان [به مرز بلوغ رسیده بودند] اجازه می‌گرفتند. خدا این گونه آیاتش را برای شما بیان می‌کند؛ و خدا دانا و حکیم است.» (النور: ۵۹)

ادب نسبت به نیازمندان

قرآن کریم دستگیری از نیازمندان را حق آنان معرفی می‌فرماید تا بار روانی منت گذاشتن را حذف نماید: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا: و حق خویشاوندان و حق تهیدست و از راه مانده را پرداز و هیچ گونه اسراف و ولخرجی مکن.» (الاسراء: ۲۶)

قرآن کریم صحبت کردن نرم و مهربانانه را با نیازمندان توصیه می‌فرماید:

«وَأَمَّا تَعْرِضْنَّ عَنْهُمْ ائْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا: و اگر [به خاطر تهیدستی و فقر] باید از آنان [که به پرداخت حقیقتان سفارش شدی] روی بگردانی [و این روی‌گردانی] برای طلب رزقی است که از سوی پروردگارت رسیدن به آن را امید داری؛ پس با آنان [تا رسیدن رزق خدا] سخنی نرم و امیدوارکننده بگو.» (الاسراء: ۲۸)

ادب راه رفتن

قرآن کریم، حتی بر نوع راه رفتن انسان ملاحظاتی دارد که آداب راه رفتن انسان مؤدب را ترسیم می‌کند: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا: و در زمین، با تکبر و سرمستی راه مرو که تو هرگز نمی‌توانی [با قدم‌هایت] زمین را بشکافی و هرگز در بلندی قامت نمی‌توانی به کوه‌ها برسی.» (الاسراء: ۳۷)

«وَ عِبَادِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...: و بندگان رحمان کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند...» (الفرقان: ۶۳)

«...وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ...: و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخرفروش را دوست ندارد.» (لقمان: ۱۸)

«...وَأَقْصِبْ فِي مَشْيِكَ...: و در راه رفتنت میانه‌رو باش...» (لقمان: ۱۹)

ادب نسبت به جاهلان

شاید حساس‌ترین وجه ادب، ادب نسبت به جاهلان باشد کسانی که خود، از رعایت آداب دورند و گاه با رفتار یا گفتاری، آستانه تحمل آدمی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و نیز قرآن کریم آسیب‌پذیرترین افراد جامعه را افرادی که از ذهن ناقصی برخوردارند و عموماً با بی‌مهری و تمسخر مردم مواجه شده و بر مشکلات روانی آنان افزوده می‌گردد منظور نظر قرار می‌دهد. آیتی که در پی خواهد آمد در یک بیان کلی روش برخورد با این دو گروه را چنین بیان می‌فرماید: «...وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا...: و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می‌دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت‌آمیز می‌گویند.» (همان: ۶۳)

«...وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا...: و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می‌گذرند، با بزرگواری و متانت می‌گذرند.» (لقمان: ۶۳)

نتیجه‌گیری

تکیه به‌تنهایی بر عوامل تأکید متداول در زبان عربی، بعضی از موضوعات مورد تأکید قرآن کریم را که از اهمیت خاصی نیز برخوردار هستند فرومی‌گذارد، ضروری است به‌عنوان حقی از حقوق قرآن کریم که تدبر و تأمل در مفاهیم و

آنگاه وارد نمودن آن‌ها در برنامه زندگی است به آن موضوعات، تأکید و در نتیجه اهمیت آن‌ها در قرآن کریم پرداخته شود.

در مقاله حاضر، ضمن طرح پیشنهادی عامل تفصیل، به عنوان یکی از عوامل تأکید، موضوع ادب را در آیات قرآن کریم جستجو و مجموعه آیات مرتبط با این موضوع، با اندکی توضیح، به عنوان یکی از موضوعات مورد تأکید قرآن کریم مطرح گردیده است. طرح تأکید قرآن کریم بر موضوع ادب، ادای حق این کتاب زندگی است در قبال اندیشه‌هایی که مکاتب الهی را منحصر به احکامی مرتبط به آخرت و محدود به عبادت‌های فردی و معنویت‌های غیرضروری و غیر مرتبط با حال و وضعیت جامعه می‌پندارند و نیز طرز فکرهایی که ادب را در رعایت پاره‌ای آداب ظاهری آن‌هم با لحاظ منافع شخصی و خدشه‌دار نشدن ذره‌ای از سلاقی و تمایلات فردی، منحصر می‌سازند.

قرآن کریم در قالب آیات متعددی به ظرایف و نکات جزئی و دقیق در حیطه ادب فردی و اجتماعی پرداخته که اهمیت و توجه خدای تعالی را بر ساختن انسان‌هایی مؤدب به آداب فردی و اجتماعی در راستای رشد و تعالی فردی و اجتماعی آکنده از آرامش و سلامت در سایه رعایت آدابی با لحاظ رعایت حقوق انسان‌ها، نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد.

قرآن کریم با عبارت «يُحِبُّ» و «لَا يُحِبُّ» در یازده آیه آنچه را خداوند از آدمی می‌پسندد و در بیست و چهار آیه، آنچه را از آدمی نمی‌پسندد ذکر فرموده است از آنجاکه ادب اقتضا می‌کند در محضر خداوند که گستره عالم هستی است به آنچه نمی‌پسندد مبادرت نکنیم و به آنچه می‌پسندد پایبند باشیم می‌توان معیارهای قرآن کریم را درباره انسان مؤدب به آداب عمیق بندگی در این آیات شناخت. همچنین در قرآن کریم،

آیات فراوانی را می‌توان یافت که به رعایت ادب در ارتباط با خداوند، رهبران الهی و تعاملات اجتماعی و خانوادگی مربوط می‌گردد در این آیات، ادب سخن گفتن که شامل ادب سخن گفتن با خدا، پیامبر، اهل کتاب و ادب سخن گفتن از نعمت است، همچنین انواع سخن گفتن مطرح شده و اهمیت قرآن کریم بر رعایت آداب در متداول‌ترین وسیله ارتباط بین مردم نمودار گردیده است. نگرش بر این آیات، تأکید قرآن را بر نوع سخن گفتن و تأکید بر رعایت آداب آن مشخص می‌سازد. قرآن کریم یک قانون کلی را در سخن گفتن با دیگران مطرح می‌سازد که می‌تواند سرلوحه ادب بشریت قرار گیرد و آن این آیه قرآنی است: «قولوا للناس حسنی» در این آیه نیکو سخن گفتن با آحاد مردم از هر نژاد و دین و آیین و ... توصیه شده است.

در آیات فراوان دیگری قرآن کریم، ادب نسبت به خویشی، آداب اجتماعی (در قالب آیات فراوانی که بسیار دقیق تعامل صحیح اجتماعی را نشان می‌دهد و رفتارهای ناپسند را متذکر می‌گردد) ادب شرکت در مساجد و اجتماعات، ادب استفاده از نعمت‌ها، ادب رفتار با والدین، ادب نسبت به خویشاوندان حتی ادب راه رفتن و ادب برخورد با افراد جاهل را مطرح می‌سازد که هر کدام لایه‌هایی از گستره وسیع ادب را در اخلاق قرآنی مشخص می‌نمایند.

مجموعه این آیات را می‌توان تفصیل قرآن کریم پیرامون موضوع ادب، در نظر گرفت و از آن تأکید قرآن کریم، بر موضوع ادب را استنباط کرد. لحاظ عامل تفصیل و افزودن آن به عوامل تأکید در قرآن کریم، نقش مهمی را در طرح نکات مورد تأکید قرآن کریم در تفسیر آیات وحیانی ایجاب کرده و راه نوری را در کشف و طرح آن نکات می‌گشاید.

بررسی تأکید قرآن بر موضوع ادب با توجه به روش تفصیل

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، ابوالفتح (۱۳۷۵). غررالحکم، دارالکتاب الاسلامی، قم.
۳. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۴). لسان العرب، دار صادر، بیروت.
۴. خسروی، سید غلام‌رضا: (۱۳۷۲) مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی، تهران.
۵. الراغب الاصفهانی ابی القاسم الحسین بن محمد (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، تهران.
۶. زمانی، کریم، (۱۴۰۲) شرح جامع مثنوی معنوی دفتر چهارم، انتشارات اطلاعات، تهران.
۷. صفا، ذبیح‌الله: (۱۳۷۷) آیین سخن، ققنوس. تهران.
۸. طباطبایی سید محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲) جوامع الجامع، حوزه علمیه قم مرکز مدیریت. قم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ناصرخسرو. تهران.
۱۱. الطریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع‌البحرین، مرتضوی. تهران.
۱۲. کزازی، جلال‌الدین: (۱۳۹۱). کتاب معانی، نشر مرکز. تهران.
۱۳. المصطفوی حسن: (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران.
۱۴. معلوف لویس (۱۳۶۵) المنجد، انتشارات اسماعیلیان. تهران.
۱۵. موسوی گرما رودی، سید علی: (بهار و تابستان ۱۳۹۱) تأکید در قرآن کریم، مجله‌ی ترجمان وحی، ۸، ش ۳۱. صص ۱۹-۲۶.
۱۶. نوری، محمد: (زمستان ۱۳۸۰) تفصیل آیات القرآن الکریم، مجله کتاب‌های اسلامی، ش ۷، صص ۱۱۱-۱۱۴.

Examining the Qur'an's Emphasis on Politeness According to the Detailed Method

Ezra Eshraq Jahromi¹, Alireza Mokhtari², Safdar Shaker³

Abstract

Today, politeness is mostly manifested in the use of its ostensible words, and traces of deep manners that indicate true education and creation of inner manners can rarely be found. In addition to mentioning external etiquette, the Holy Quran also mentions innate and deep manners to serve as a comprehensive plan to build human beings born with manners and a human society committed to manners. It is worth mentioning that in addition to the physical health of its members, a sound society needs their mental health depending in its turn on the manners and etiquette of its people in interacting with each other.

The type of research is fundamental and descriptive-analytical method has been used. The method of collecting information is documentary. The documents used are the verses of the Holy Quran.

Since the rules of manners mentioned in the Holy Quran have been required by the creator of human, the most comprehensive and necessary points related to etiquette have been mentioned. These points define the duties and rights of human beings in their interaction with each other and it can be claimed that if they are observed, human relations with God and other human beings related to them will be improved and many family, kinship and social disputes and dissensions will be resolved.

The explanation factor researches the set of verses raised around a specific topic with the aim of measuring the amount of emphasis of the Holy Quran on that topic.

The many emphasized topics that we have found in this research bring the emphasis on the topics raised in the Holy Qur'an....

Keywords: Holy Quran, Emphasis, Detail, General Detail, Politeness

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Fasa, Iran
ozeshj@gmail.com
2. Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Fasa, Iran
ar.mokhtari@iau.ac.ir
3. Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Fasa, Iran
shakersafdar@gmail.com